

هوش هیجانی نیاز سازمانهای دولتی

فاطمه محمدی زاده

آموزش و پرورش ناحیه یک بندرعباس

چکیده

در عصری که با نام تغییر عجین شده است، آنچه که باعث ادامه حیات و کسب مزیت رقابتی پایدار برای سازمانها می گردد، استفاده اثربخش از منابع انسانی است. سالها این تفکر حاکم بود که وجه تمایز افراد موفق از سایرین، بهره ای هوشی آنها است، اما تحولات اخیر در علوم رفتاری و سازمانی توجه همگان را به سوی عامل اصلی تری تحت عنوان هوش هیجانی سوق داده است امروزه هر مدیری که سعی در تحقق اهداف سازمانی خود دارد باید به هوش هیجانی افراد به مثابه سرمایه ای با ارزش بنگرد و فرصت پرورش آن را برای منابع انسانی خود فراهم کند.

کلمات کلیدی: هوش هیجانی، سازمانهای دولتی

مقدمه

در سالهای اخیر، الگوهای مکانیکی و منطقی سازمان ها با مفاهیمی پویاتر از چگونگی کارکرد سازمانها جایگزین شده است. این نوع تغییر، توسعه ی ساختارهای سازمانی تخت و انعطاف پذیر را ضروری ساخته و نیاز به اعضای که می توانند خود را با محیط در حال تغییر سازگار کنند، روشن ساخته است [۱]. نظریه های اخیر بیان می کند که عناصری غیر شناختی و غیر عقلانی در سازمانها نفوذ کرده اند که از طریق الگوهای مکانیکی قابل فهم نیست [۲] و هیجان، جزئی اساسی از تجربه انسانی است که در هر گونه تعامل انسانی وجود دارد [۳]. در این بین، مفهوم هوش هیجانی به مثابه فراهم کننده ی بینشی وسیع تر نسبت به رفتار سازمانی مطرح شده است. به ویژه هوش هیجانی کمک بزرگی به ما در درک روابط موجود در زمینه ی کار می کند [۴]. با وجود اینکه ارزش نقش عواطف در پویایی سازمانی روشن شده است، در ارتباط با تاثیر احساسات در محیط کار، پژوهشی در خور، انجام نگرفته است [۵]

تاریخچه

اصطلاح هوش هیجانی برای اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط دو روانشناس به نام های جان مایر و پیتر سالو وی مطرح شد. آنان اظهار داشتند، کسانی که از هوش هیجانی برخوردارند، می توانند عواطف خود و دیگران را کنترل کرده، بین پیامدهای مثبت و منفی عواطف تمایز گذارند و از اطلاعات عاطفی برای راهنمایی فرآیند تفکر و اقدامات شخصی استفاده کنند [۹]. هوش هیجانی، جدیدترین تحول در زمینه فهم رابطه میان تعقل و هیجان است و از آن به عنوان ماشه چکان یک انقلاب بزرگ در زمینه ارتقای بهداشت روانی یاد می شود [۷]. بحثهای فلسفی در مورد رابطه بین تفکر و عاطفه در مغرب زمین به بیش از ۲۰۰۰ سال قبل بر می گردد [۷]. ریشه های تاریخی این مفهوم را می توان در قرن ۱۹ جستجو کرد. داروین در سال ۱۸۷۲ میلادی، اولین اثر معروف خود را در این زمینه منتشر نمود. او اثبات کرد که ابزار عواطف در رفتارهای سازگاران افراد، نقشی اساسی ایفا می کند. این یافته به عنوان یک اصل مهم هوش هیجانی تا امروز مورد قبول صاحب نظران بوده است [۱]

تعریف هوش هیجانی

حوزه ی هوش عاطفی به عنوان یک موضوع مورد مطالعه، از بطن روانشناسی علمی ظهور پیدا کرد. از این رو مربیان، روان پزشکان، متخصصان منابع انسانی و سایرین به این موضوع علاقمند شدند و بدین ترتیب این حوزه توسعه یافت. از زمانی که مجلات معتبر علمی